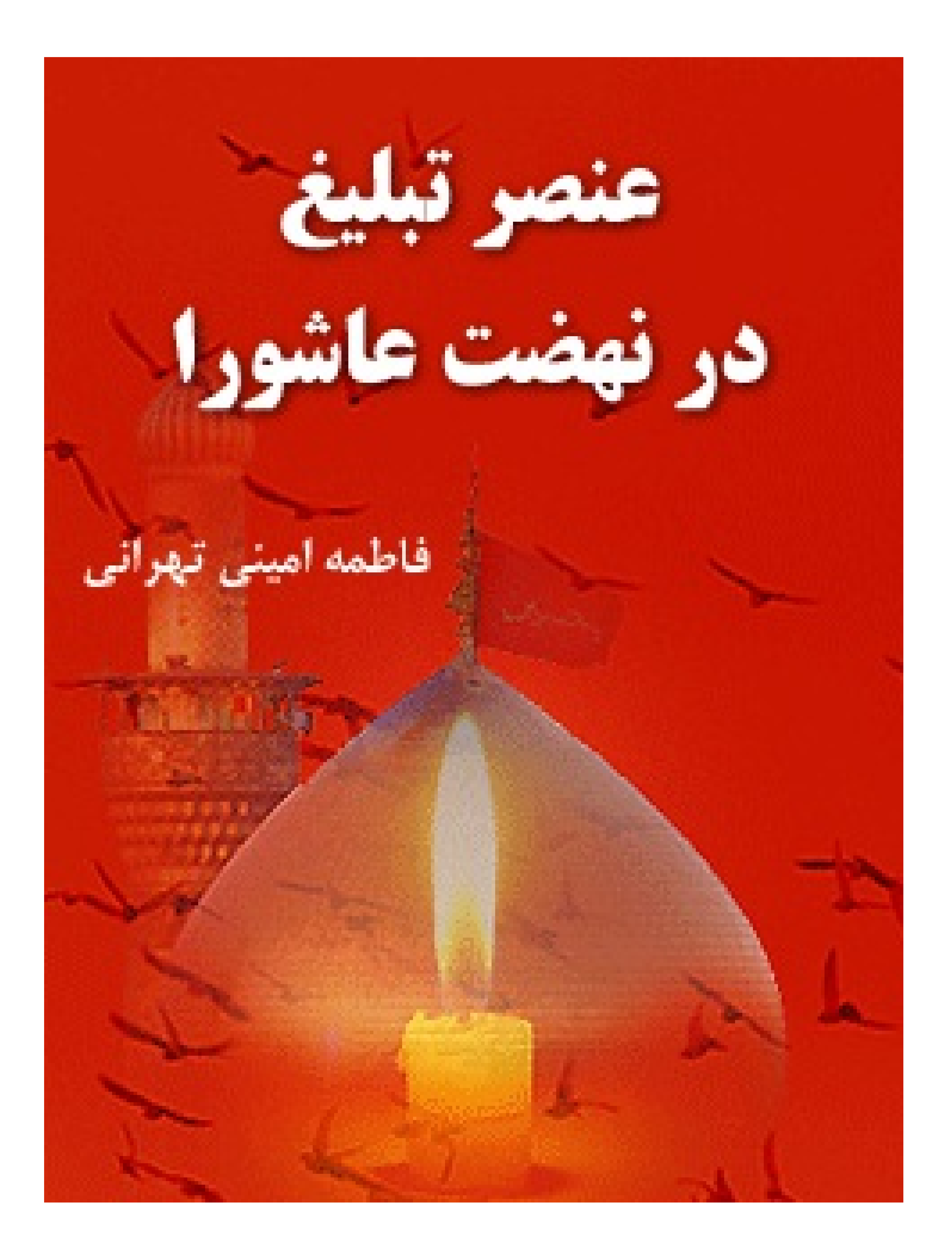

عنصر تبلیغ
در نهضت عاشورا
فاطمه امینی تهرانی


بسم الله الرحمن الرحیم

عنصر تبلیغ در نهضت عاشورا

نویسنده:

فاطمه امینی تهرانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ۵
عنصر تبلیغ در نهضت عاشورا ۶
مشخصات کتاب ۶
مفهوم تبلیغ ۶
عناصر تبلیغ ۷
اوصافی که در قرآن کریم برای مبلغان ذکر شده است ۱۱
اعتقاد مبلغ ۱۱
بصیرت علمی ۱۳
اخلاص ۱۴
صبر ۱۶
صفای باطن ۱۷
دلسوز بودن نسبت به مردم ۱۷
شجاعت و خدا ترسی ۱۸
معرفی الگو ۱۹
ابزار پیام رسان ۲۱
بیان، مهمترین وسیله تبلیغی اسلام ۲۲
تاکتیکهای ویژه تبلیغی در نهضت عاشورا ۲۴
آغاز جهاد با مهاجرت ۲۴
همراه بردن اهل بیت ۲۴
خلاصه مقاله ۲۸
درباره مرکز ۳۰

عنصر تبلیغ در نهضت عاشورا

مشخصات کتاب

عنوان : عنصر تبلیغ در نهضت عاشورا

پدیدآورندگان : فاطمه امینی تهرانی(پدیدآور)

ناشر : فاطمه امینی تهرانی

نوع : متن

جنس : مقاله

الکترونیکی

زبان : فارسی

صاحب محتوا : موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر : قیام عاشورا

پیام

مفهوم تبلیغ

«تبلیغ»، واژه ای عربی است که معادل انگلیسی آن «پروپاگاندا» است. اما باید توجه داشت که مفهوم تبلیغ، در فرهنگ اسلامی، با مفهوم تبلیغ در فرهنگ امروز غرب،کاملا متفاوت است. تبلیغ در عرف امروز غرب، دروغ پردازی به انگیزه فریب دهی و همراه سازی افکار عمومی است.شهید مطهری (ره) تفاوت معنای تبلیغ از نظر قرآن و در عرف امروز را چنین بیان می کند: «بدبختانه این کلمه در عرف امروز، سرنوشت شومی یعنی منحوس پیدا کرده به طوری که امروز در عرف ما فارسی زبانها تبلیغ یعنی راست و دروغ جور کردن و در واقع فریبکاری و اغفال. برای به خورد مردم دادن یک کالا، مفهوم اغفال به خودش گرفته است و لذا گاهی که کسی درباره موضوعی صحبت می کند، وقتی می خواهد بگوید اینها اساسی ندارد، می گوید: آقا اینها همه تبلیغات است».دهخدا می گوید: «رساندن عقاید دینی یا غیر اینها با وسایل ممکنه»در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» پس از نقل آرای اهل لغت درباره مفهوم تبلیغ و ابلاغ، می نویسد: «رأی تحقیقی درباره معنای ماده تبلیغ این است که : تبلیغ همان ایصال و رساندن است، لکن نه هر ایصال و رساندنی، بلکه حد اعلای آن را ابلاغ گویند. در تمامی کاربردهای واژه ابلاغ، این خصوصیت لحاظ شده است».شهید مطهری درباره تفاوت دو واژه «ابلاغ» و «ایصال» می فرماید: «تبلیغ با وصل و ایصال معنای نزدیک دارد. ما در زبان عربی، کلمه ایصال داریم، کلمه

ابلاغ هم داریم. در فارسی در معنای این هر دو، رسیدن و رساندن به کار برده می شود ولی در عربی ایصال را به جای ابلاغ نمی شود به کاربرد. ایصال، معمولاً در مورد رساندن چیزی به فکر و روح و قلب کسی به کار می رود و لذا محتوای ابلاغ نمی تواند یک امر مادی و جسمانی باشد، حتماً یک امر معنوی و روحی است؛ یک فکر و یک احساس است».تبلیغ از واژه هایی است که در قرآن کریم کاربرد فراوان دارد، قرآن این واژه را در مواردی به کار می برد که هدف آن رسانیدن یک پیام مقدس می باشد.(أُبَلِّغُكُم ْرِسَـٰلَت ِ رَبِّى وَأَنَا لَكُم ْنَاصِح ٌأَمِين ٌ)بنابراین، این واژه در قرآن از قداست خاصی برخوردار است؛ از طرفی،اساسی ترین وظیفه انبیا در قران کریم، ابلاغ و رساندن پیام الهی ذکر شده است.(مَّا عَلَى الرَّسُول ِ إِلَّا الْبَلَغ ُ)حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «آنگاه که در عصر جاهلیت، بیشتر مردم، پیمان خدا را نادیده انگاشتند و حق پروردگار را نشناختند و در برابر او به خدایان دروغین روی آوردند و شیطان مردم را از معرفت خدا باز داشت و از پرستش او جدا کرد،خداوند، پیامبران خود را مبعوث فرمود و هر چند گاه، متناسب با خواسته های انسانها،رسولان خود را پیاپی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان باز جوید و نعمتهای فراموش شده را به یاد آورند».

عناصر تبلیغ

تبلیغ، از چهار عنصر تشکیل شده است:۱. پیام.۲. پیام رسان.۳. ابزارهای پیام رسانی.۴. روش پیام رساندن به مردم.هر یک از این عناصر باید دارای خصوصیاتی باشد تا تبلیغ، موثر افتد و پیام، به نحو احسن به مردم برسد و مردم را جذب نماید.در نهضت

عـاشورا – کـه نهضـتی جـاودان اسـت – این عناصـر نیز دارای خصوصـیاتی جـاودانه می باشـد، خصوصـیاتی که از منبـع وحی سرچشـمه می گیرد؛ چرا که عاشورا و قیام امام حسـین (ع) متصل به وحی است. عاشورا حادثه ای نبود که منحصر به روز دهم محرم سال ۶۱ قمری باشـد، بلکه نهضتی است جاویـد.آری، صـحرای کربلا به وسـعت تاریخ است و قافله کربلائیان در مسـیر تاریـخ در حرکت است تـا زمـانی که درگیری حق و باطـل ادامه دارد و جمله: «انی سـلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاـکم و عـدو لمن عاداکم» نشانه ای از تـداوم این نبرد است و این تفسـیری است بر شـعار:«کل ّیوم عاشورا و کل ّارض کربلا»، و این شعاری است که نشان دهنده تداوم عاشوراست تا در همه جا و همیشه تاریخ، هر آرزومندی آرزو کند که ای کاش! در کربلا همراه یاران امام شهید می شد. در زیارتنامه می خوانیم: «یا لیتنی کنت معکم فافوز معکم»؛ یعنی هر جا که برای اقـامه حق و عـدل و علیه ظلم و فسـاد، قیـام کنی آنجـا عـاشوراست و هر جـا پیکر تو در راه اسـلام نقش زمین شود، آنجا کربلاـست و این یعنی اگر چه قبله در کعبه است، امـا (فأینما تولو فثم ّوجه اللّه).حضـرت امام؛ می فرمایـد: «این کلمه کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا یک کلمه بزرگی است. همه روز بایـد ملت ما این معنی را داشـته باشد که امروز روز عاشورا است. و ما بایـد مقابل ظلم بایستیم. و هیمن جا هم کربلاست و بایـد نقش کربلا را ما پیاده کنیم.انحصار به یک زمین ندارد. انحصار به افراد نمی شود. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت

هفتاد و چند نفری و یک سرزمین کربلا نبود. همه زمینها باید این نقش را ایفا کنند».در حماسه هشت سال دفاع مقدس ایران، اتصال به نهضت عاشورا منبع الهام،شور و حرکت آفرینی بود. امام این پیوند را چنین بیان فرمود: «امروز، روز عاشورای حسینی است، امروز، ایران کربلااست».شرایط موفقیت یک پیام عبارت است از:۱. حق بودن.۲. منطقی بودن.۳. انگیزانندگی پیام.۴. هماهنگی با نیازهای زمان.قرآن، پیامی جاودانه است که از سوی خدای متعال برای رستگاری بشر به پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل نموده است. قرآن یکی از صفات خود را که روی آن تأکید نموده است و آن را رمز جاودانگی خود دانسته، حق بودن پیام قرآن است: (ذلک بان ّالله نزّل الکتاب بالحق).و اسلام را برترین دینها دانسته؛ چون دین حق است: (و هو الّذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق).در واقعه عاشورا که – هدف از آن عزت بخشیدن به اسلام و ارزشهای اسلامی است – حضرت ابا عبدالله (ع) از همان ابتدای حرکت از مدینه به سوی مکه، در سخنان خویش، هدف از حرکت خود را احیای دین، اجرای حدود الهی، احیای سنّت جدش رسول گرامی اسلام (ص)، مبارزه با بدعتها، فساد و احیای امر به معروف و نهی از منکر اعلام نمودند. عاشورای حسینی یک نهضت احیاگرانه نسبت به دین و ارزشهای دینی بود که درسایه بذل جان و نثار خون، عزت دین الهی به جامعه مسلمین بازگشت.امام حسین (ع) در مدینه در وصیتی که به برادرش محمد حنفیه نوشت، هدف اصلی از قیام خویش را چنین بیان نمودند: «انّی لم اخرج أشرا و لا بطرا و لا ظالما و انّما خرجت لطلب الاصلاح فی امّه

جدّی اریـد أن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر و اسـیر بسـیره جدّی و سـیره علی بن ابی طالب».و نیز در نامه هایی خطاب به مردم بصره نوشتند: «و أنا أدعوکم الی کتاب اللّه و سنه نبیه (ص) فان-السّنه قد امیتت و ان-البدعه قد احییت و إن تسمعوا قولی و تطیعوا امری أهـدکم سبیـل الرشـاد».امام (ع) در سـخنانش حرکت خویش را حرکتی خـدا جویانه و اصـلاح طلبانه خوانـد،نه شورشـی و تفرقه انگیز تا بهانه ای برای کشتن او از سوی بنی امیه حساب شود.پیام عاشورا جاودانه است و هر پیامی برای اینکه جـاودانگی لازم را داشـته باشـد،بایـد متنـاسب بـا عقـل و فطرت پـاک بشـری باشـد. اسـلام شـناس بزرگ، اسـتاد مطهری؛می گوید:«یک پیام باید در درجه اول، منطقی باشد، یعنی با عقل و فکر بشر سازگار باشد به گونه ای باشد که جاذبه عقل انسان، آن را به سوی خودش بکشـد. یک پیام اگر ضد منطق و عقل باشد ولو مثلًا احساسـی باشد برای مدت کمی ممکن است دوام پیـدا کنـد، ولی برای همیشـه قابـل دوام نیسـت. ایـن اسـت کـه قرآن دائماً دم از تعقـل می زنـد».از خصوصـیات دیگر پیـام انگیزاننـدگی آن است که متناسب با احساسات و عواطف مردم باشـد. هماهنگی با نیازهای زنـدگی آنان باشد. اسـتاد مطهری می گوید:«همچنین برای اینکه محتوای یک پیام، غنی و نیرومند باشد، باید با احساسات بشـر انطباق داشته باشد. انسان کانونی دارد غیر از کـانون عقلی و فکری به نـام کـانون احساسات که آن را نمی توان نادیـده گرفت».شـهید مطهری(ره) یکی از علل پیشـرفت اسـلام را در جهان چنین بیان می کنـد:«کمونیسم و مسـیحیت هر چه فعالیت می کند پیشـروی قابل توجهی ندارد، در حالی که دستگاههای تبلیغاتی

آنان قوی و وسیع و دستگاه تبلیغاتی، اسلام ضعیف است. علتش این است که محتواها فرق می کند».

اوصافی که در قرآن کریم برای مبلغان ذکر شده است

اعتقاد مبلغ

(امَن ٰالرَسُول بِما انزِل ٰاِلیه...)در این آیه شریفه ایمان داشتن حضرت محمد(ص) به قرآن، بیانگر این اصل است که هر پیام رسان دینی، نخست باید خود به گفته ها و محتوای رسالت خویش، مؤمن باشد. نافذترین گفتار آن است که از روی ایمان، ابلاغ شود؛ چرا که گفته اند: سخن کز دل بر آید لاجرم بر دل نشیند. استاد مطهری بی اعتقادی مبلغان را بزرگترین درد می داند:«دردی از این بالاتر نیست که آدم خودش به چیزی اعتقاد نداشته باشد، بعد بخواهد آن اعتقاد را در دل مردم وارد کند».آیت اللّه طالقانی، راز تأثیر پیامها و سخنان امام؛ در دل میلیونها انسان را ثمره اعتقاد کامل او می داند:«از عجایب امام امت این است که به تک تک جملاتی که بر زبان می آورد، اعتقاد کامل داشت. به همین دلیل در دلها می نشست».اعتقاد به اصول دین و همچنین احیای فروع دین، تمام شؤون و زوایای زندگی امام حسین (ع) را در بر می گیرد. جهادی که با هجرت در راه خدا و برای احیای سنت پیامبر و امر به معروف و نهی از منکر آغاز گردید؛ چنانکه در زیارت می خوانیم:«اشهد انک قد اقمت الصلاه و اتیت الزکوه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و اطعت اللّه و رسوله حتی اتیک الیقین».امام حسین از شهادت خویش پیشاپیش با خبر بود. پیامبر مکرر آن را بیان فرموده بود. این علم و اطلاع قبلی، نه تنها اراده امام را سست نکرد، بله روحیه شهادت طلبی او را افزون ساخت. در تاریخ می خوانیم که در موارد متعددی که اصحاب

و اقوام نزدیک حضرت از روی دلسوزی و خیرخواهی، امام را از رفتن به عراق بر حذر می داشتند و بی وفایی مردم کوفه نسبت به پدر بزرگوار و برادر گرامی شان را یادآور می شدند، اما باور ویقین به خدایی بودن این راه، سبب شد در برابر عوامل تردید آفرین و یأس آور، بایستد ومشیّت الهی را بر هر چیزی مقدم بدارد.هنگامی که تصمیم امام بر حرکت به سوی کوفه منتشر شد، گروهی در صدد برآمدند تا حضرتش را از این سفر باز دارند. یکی از این افراد، ابن عباس پسر عموی ایشان بود. امام در پاسخ به ابن عباس فرمودند: «انا للّه و انا الیه راجعون».استرجاع گفتن «انا للّه و انا الیه راجعون»، در منطق امام حسین یادآور فلسفه حیات و سرنوشت «از اویی» و «به سوی اویی» است که بارها امام آن را در طول مسیر، بر زبان جاری می فرمودند.همچنین پیوند حرکت عاشورا به احیای سنت پیامبر و مبارزه با بدعتهایی که دردین به وجود آورده شده بود، تأکیدی بر مساله نبوت است.فلسفه سیاسی اسلام، برای اداره جامعه در قالب امامت، تجلی می کند. امامت،مسند خلیفه اللهی انسان کامل است نه اریکه قدرت طلبان زورگو.امام پس از دریافت نامه های گروههایی از کوفیان که او را به آمدن به کوفه دعوت می کردند، تا در سایه امامت او علیه یزید قیام کنند، در نامه ای خطاب به آنان چنین نوشت:«به جانم سوگند! امام جز آنکه به کتاب خدا حکومت و داوری کند و قیام به قسط و عدل نماید و به دین حق، گردن نهد و خود را وقف راه خدا کرده باشد، نیست».امام با این بیانات، خصوصیات امام راستین

را بیـان می فرمایـد، از طرفی انطباق این ویژگیها بر شـخص خاص را در موقعیتهای مختلف، با بیان جایگاه اهل بیت پیامبر و بر شمردن فضایل شخصـی خویش و ملاکهای امامت، ذهنیت جامعه مسـلمین را به سوی امام صالح، سوق می دهد. برای اختصار به یک نمونه اشاره می کنیم:امام حسین (ع) در مسیر کوفه پس از برخورد با سپاه حر در خطبه ای فرمودند:«مادودمان پیامبریم و به عهده داری این امر (خلافت) و ولایت بر شـما، از دیگران که به ناحق و در میان شـما به سـتم و تجاوز حکومت می کنند، سزاوارتریم».یادآوری مبادی اعتقادی در نهضت عاشورا از زبان امام حسـین (ع) و یاران او بیانگر زیر سـئوال بردن دشمن بود. از طرفی، این یادکرد اصول اعتقادی، دفع شـبهه آفرینی های بعدی امویان بر ضد ائمه: بود. سیدالشـهدا(ع) در وصیتنامه ای که بـه برادرش محمـد حنفیه هنگـام خروج از مـدینه نگاشـته است، علاـوه بر اینکه مظلـومیت امـام را در آن روز نشـان می دهـد، مروری بر مفاهیم اعتقادی از سوی امام است که به صورت مکتوب باقی مانده است.

بصیرت علمی

یکی از اساسـی ترین شـرط برای پیام آوران مذهبی، از نظر قرآن کریم، توانایی علمی و آگاهی مبلغان است. خداوند به پیامبر می گویـد تا به مردم بگویـد او در مسـیری که دیگران را به آن دعوت می کنـد، آگاهی کامل دارد:(قل هذه سبیلی ادعوا الی اللّه علی بصـیره)اسـتاد شـهید مطهری در این باره می گوید:«اولین شـرط برای یک نفر مبلغ،شناسایی خود مکتب است، ماهیت پیام است؛ یعنی کسـی که می خواهد پیامی را به جامعه برساند، باید خودش با ماهیت آن پیام آشنا باشد. باید فهمیده باشد که هدف این مکتب چیست؟...آخر مگر می تواند پیامی را به مردم برساند، بدون

اینکه خودش آن پیام را شناخته و درک کرده باشد».حضرت علی (ع) از رزمندگان راستین چنین یاد می کند: «حملوا بصائرهم علی اسفیاهم».یعنی اگر در میدان جهاد شمشیر می زنند، از روی بصیرت است.حماسه آفرینان عاشورا بی هدف و کورکورانه به میدان جهاد نیامده بود. آنان اهل بصیرت بودند، هم نسبت به درستی و حقانیت راه و هم به اینکه وظیفه شان جهاد در راه خداست و هم به اینکه دشمن را شناخته بودند. حتی امام (ع) در شب عاشورا در جمع آنان فرمودند:«اینان مرا و همه کسانی را که پیش روی من جهاد می کنند خواهند کشت بیم آن دارم که شما از اینها خبر نداشته باشید، یا بدانید ولی از رفتن، شرم کنید. نیرنگ نزد ما خاندان حرام است. هر کس دوست ندارد با ما خاندان باشد، باز گردد».

اخلاص

قرآن کریم در آیات مختلفی، گفتار پیامبران در مقام دعوت و تبلیغ قوم شان را بازگو کرده است؛ مثلاً در آیاتی از سوره شعرا از زبان حضرت نوح، هود، صالح، لوط و شعیب (ع) که گفته اند:(و ما اسئلکم علیه اجرا ان ٔاجری الّا علی رب ّالعالمین).«من در برابر انجام رسالتم مزدی از شما نمی خواهم».مسأله اخلاص، مساله کوچکی نیست. به همین دلیل، قرآن از زبان همه انبیا این سخن را می گوید: (ما اسئلکم علیه من اجر).دسته ای دیگر از آیات قرآن کریم، پیامبران الهی را به عنوان «ناصح» یاد کرده است. آیات ۶۲، ۶۸، ۷۹ و ۹۳ از سوره اعراف از زبان پیامبران بزرگ الهی بیان می کند که خود را به عنوان «ناصح» به قوم خویش معرفی می کردند.استاد مطهری در تعبیر این آیات می گوید: «مسأله دوّم که قرآن مجید در مسأله تبلیغ روی آن

تکیه می کند، چیزی است که از آن به «نصح» تعبیر می نماید. ما معمولاً نصح را به خیر خواهی ترجمه می کنیم، البته این معنا درست است ولی ظاهراً خیرخواهی،عین معنای نصح نیست، لازمه معنای نصح است. نصح در مقابل غش است. ناصح واقعی آن کسی است که خلوص کامل داشته باشد. توبه نصوح یعنی توبه خالص. مبلغ باید ناصح و خالص و مخلص باشد».آنچه مهمترین عامل ماندگاری نهضت عاشورا در طول قرون است، جوهره اخلاص در نهضت عاشوراست. نه تنها این نهضت، کهنه نگشته است بلکه روز به روز برجلوه و جاذبه آن افزوده می گردد. حرکت عاشورا از ابتدا تا انتها خالصانه بود، در این حرکت خالصانه، ناخالصان، عده ای در مسیر و عده ای در کربلا تصفیه شدند تا حاضران در عاشورا همه یکدست و خالص باشند.از همان ابتدا امام حسین (ع) در وصیتنامه ای که به برادرش محمد حنفیه نوشت تا انگیزه های غیر خالصانه و دنیا طلبانه را از حرکت انقلابی خویش نفی کند. خالصان،خلوص خویش را در شب عاشورا و روز نبرد نشان دادند و گاهی آن را در رجزها و سخنان خویش بیان می کردند. در کربلا خون بود، شمشیر و شهادت، نه پول و امتیازات اجتماعی.اخلاص و خدایی بودن نیت و انگیزه، عامل نیرومندی است در مقابله با هوای نفس، انگیزه های مادی و جاه طلبانه. آنکه برای خدا قیام کند، نه کمی نفرات او را مأیوس می کند و نه ترس از شکست ظاهری، بلکه همه همتش عمل به تکلیف است؛ چنانکه خداوند در قرآن می فرماید:(انّما اعظکم بواحده أن تقوموا للّه مثنی و فردی).آنچه برای خدا باشد ماندگار و پایدار می شود، قیام عاشورا چون خدایی بود،

ابـدی و بی شـکست شـد. به تعبیر امـام راحـل؛: «شـکست نبود کشـته شـدن سیدالشـهداء، چون قیـام للّه بود. قیـام للّه شکسـت ندارد».«آگاه بودند که ما آمدیم وظیفه خدایی بکنیم، آمدیم اسلام را حفظ کنیم».

صبر

یکی از ویژگیهـای مهم مبلغ از نظر قرآن کریم، صبر و اسـتقامت است. انبیا و پیامبران در طول تاریـخ، اسوه صبر بودنـد. قرآن مجیـد، خطـاب به پیـامبر گرامی اسـلام می فرمایـد:(فَاصبِر کما صبر اوُلُوالعزم مِن ِالرُّسل وَ لاتَستَعجِل لَهم)در آیه ۲۴ از سوره سجـده، رابطه صبر و یقین بیان شـده است. بردباری، زاییـده یقین به پروردگار جهان است.(وَ جَعلنا مِنُهم اَئِمَه یَهدوُن بِأمرِنا لَمّا صَبَرُوا و کـانوا بِایاتِنـا یُوقِنون).در واقعه عـاشورا عاشوراییان، قله های صبر و یقین را فتـح کردنـد، آنچه حماسه کربلا را به اوج مانـدگاری و تأثیر گـذاری رسانـد، روحیه مقاومت امام حسـین و یاران باوفایش و همچنین صبر و مقاومت اهل بیت: و اسـرای کربلاـ بود.امـام حسـین (ع) هنگـام خروج از مکه در خطبه ای فرمودنـد: «نصبر علی بلاـئه و یوقینـا اجور الصابرین».امام (ع) از همـان آغاز، یارانی را به همراهی طلبیـد که طاقت و تحمل صـحنه کارزار، همراه با زخم و ضـربه و مرگ و تشـنگی را داشـته باشـد. امـام شـرط همراهی را «صبر»دانست و در یکی از منزلگاههـا خطـاب به یاران فرمودنـد:«ایها الناس فمن کان منکم یصبر علی حـد السیف و طعـن الاسنّه فلیقم معنـا و الّافلینصـرف عنّـا».حـادثه کربلاـ و قهرمانـان عـاشورا الهـام دهنـدگان صـبوری و آموزگاران مقاومت بودنـد.انقلاب اسـلامی ایران که محصول پایداری مردم و خون پاک شـهدا می باشد؛ خانواده های شـهدا نیز از حضرت زینب (س) صبوری آموختند. امام؛ صبر مردم ایران را چنین بیان می کند:«مبارک باد بر خانواده های عزیز

شهدا، مفقودین، اسراء و جانبازان وبر ملت ایران که با استقامت و پایداری و پایمردی خویش به بنیانی مرصوص مبدل گشته اند، که نه تهدید ابر قدرتها آنان را به هراس می افکند و نه از محاصره ها و کمبودها به فغان می آید... زندگی با عزت را در خیمه مقاومت و صبر، بر حضور در کاخهای ذلت و نوکری ابرقدرتها و سازش و صلح تحمیلی، ترجیح می دهند».

صفای باطن

تزکیه درون، مقدمه ثمردهی تبلیغ مبلغان دینی است. جلای باطن و تزکیه نفس برای مبلغان دینی، شرط لازم است؛ زیرا تنها پیامی که از دهن پاک و پیراسته تراود، بر جانهای پاک، جای می گیرد. قرآن کریم، پیامبران الهی را به خاطر اخلاق پسندیده ای ؛ چون، راستی، اخلاص، وفای به عهد و...ستوده است.علامه طباطبایی در تفسیر عبارت (الموعظه الحسنه)، می فرماید: «حسن موعظه به اعتبار حسن آثار موعظه گر است. واعظ باید آراسته به محتوای وعظ خود باشد.حسن خلق واعظ، راه یافتن وعظ به اندرون دل انسانها را قوت می بخشد. واعظ باید ازچنان حسن خلقی برخوردار باشد که راه نفوذ کلامش در اندرون دلها را بگشاید، قلبها رانازک کند، پوستها را به لرزه در آورد، ظرف دلها را مهیای پذیرش و چشمها را لبریز اشک کند».حادثه کربلا و سخنان امام حسین و روحیات و خلق و خویی که از حماسه سازان عاشورا به ثبت رسیده است، منبع ارزشمندی جهت الگوگیری در زمینه آموزش اخلاق و خودسازی است. خصوصیاتی چون: ایثار، آزادگی، وفا، عزت، شجاعت، وارستگی ازتعلقات، توکل، خداجویی، همدردی، نمونه هایی از پیامهای اخلاقی عاشوراست.

دلسوز بودن نسبت به مردم

خداوند در این آیه، پیامبر را به چند صفت ستایش می کند:(لَقَد جائَکم رَسول مِن اَنفُسِکم عَزیزٌ علیه ِ ما عَنِتُّم حُریص ُعَلیم بالمُؤمنین رئوف رحیم)۱. ناراحت شدن از گرفتاری مردم.۲. تمایل شدید به هدایت مردم.۳. دلسوزی نسبت به مومنان.۴. رحمت به مؤمنان.در واقعه عاشورا تمام صفاتی که به نحوی به دلسوزی نسبت به مردم اشاره دارد، به بالاترین وجه بروز می کند؛ صفاتی چون: ایثار، مواسات، تکریم انسان و...ایثار، مقدم داشتن دیگری بر خود است. و والاترین درجه ایثار، ایثار جان است.قرآن از مؤمنانی یاد می کند

که علی رغم نیازمندی، دیگران را بر خویش مقدم می دارند:(و یوثرون علی انفهسم و لو کان بهم خصاصه).در صحنه عاشورا، نخستین ایثارگر، سید الشهدا (ع) است. اصحاب آن حضرت نیز هر کدام ایثارگرانه، جان خویش را در راه اسلام، فدای امام خویش کردند. در صحنه عاشورا جلوه های متعددی از ایثار به چشم می خورد. برای اختصار به یک نمونه از این جلوه ها اشاره می کنیم:حضرت اباالفضل العباس (ع) علاوه بر آنکه امان نامه ابن زیاد را که شمر آورده بود،رد کرد؛ در شب عاشورا نیز خطاب به حضرت اباعبدالله (ع) اظهار کرد: هرگز از تو دست نخواهم کشید، خدا نیاورد زندگی پس از تو را و نیز هنگامی که روز عاشورا با لب تشنه به کنار رود فرات رسید تا برای امام و کودکان تشنه آب آورد، پس از پر کردن مشک، خواست آب بنوشد، اما با یاد آوردن تشنگی امام و کودکان تشنه، گام از فرات بیرون نهاد و با لب تشنه شهید شد.

شجاعت و خدا ترسی

(الذین یبلّغون رسالات اللّه و یخشونه و لا یخشون احد الاّ اللّه و کفی باللّه حسیبا).در این آیه شریفه، دو ویژگی بارز برای مبلغان دینی بیان شده است:۱. ترس از خدا۲. نترسیدن از غیر خدا.راغب اصفهانی در مفردات می گوید: «خشیت، ترس آمیخته با تعظیم است و بیشتر در مواردی به کار می رود که ترسنده، آگاهی به چیزی که از او می ترسد، داشته باشد».شجاعت یعنی نترسیدن از غیر خدا و ترس از خدا، عین شجاعت است، چون در یک زمان، دو ترس چیره بر وجود انسان متصور نیست. انسانی که سراپا خوف خداست،بی گمان هراس از غیر خدا در او معنا ندارد! و به این دلیل است

که ذکر توأم این دو ویژگی؛یعنی خشیت از خدا و خشیت نداشتن از غیر خدا برای مبلغان الهی، ذکر شده است.یکی از مظاهر آشکار شجاعت، نترسیدن از مرگ است. همین عامل، امام حسین (ع) و یارانش را به نبرد عاشورا کشاند تا حماسه ماندگار بیافرینند. شجاعت امام حسین (ع) و یارانش وفادارش در صحنه های مختلف عاشورا، خود کتابی بزرگ است. این شجاعت، ریشه در اعتقادات شان داشت. آنان که به عشق شهادت می جنگیدند، از مرگ ترسی نداشتند، از این رو بود که لشکریان دشمن از برابرشان می گریختند و هیچیک یارای جنگ تن به تن با شجاعان عاشورا را نداشتند، از این رو، به یک فرد حمله عمومی می کردند.عاشورا، الهام بخش مقاومت و آموزگار شجاعت است و عنصر شجاعت در متن عاشورا در گفتار و رفتار شهدا و اسرای کربلا موج می زند. شجاعت، در مقابل مستبدان و مستکبران عالم و محرم همواره روحیه شهادت و ظلم ستیزی به مسلمانان می دهد. امام حسین مرگ با عزت را بهتر از زندگی با ذلت می داند. در سخنانی هنگام برخورد با سپاه حر آمده است:«من از مرگ باکی ندارم، مرگ راحت ترین راه برای رسیدن به عزت است. مرگ در راه عزت، زندگی جاودانه است و زندگانی ذلت بار مرگ بی حیات است».حضرت امام؛ می فرماید: «ماه محرم ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد،ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد، ماهی که قداست حق، باطل را تا ابد منهدم و داغ باطله بر جبهه ستمکاران و حکومتهای شیطانی زد، ماهی که به نسلها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت».

معرفی الگو

(ان َفی رسول اللّه لکم اسوه حسنه)تاثیر گذاری یک حادثه یا

الگوی رفتاری بر انـدیشه ها و عملهای مردم، بیش از گفتار است. از این رو در قرآن کریم از پیامبر اکرم(ص) به عنوان اسوه و الگو یاد می کنـد تا مردم در ایمان و عمل از آنان سـرمشق بگیرند. در تاریخ اسـلام نمونه های زیادی از اشـخاص وجود دارد که می تواند برای مسـلمانان الگو باشد. اما واقعه عاشورا و شـهدای کربلا در تاریخ اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است و برای همیشه تاریخ، الگوی انسانهای حق طلب خواهد بود؛ چنانکه امام حسـین (ع) خودش نیز حرکت و مبارزه انقلابی خویش را علیه یزیدیان برای مردم دیگر سـرمشق می داند و می فرماید: «فلکم فی اسوه»، همچنانکه خود امام نیز از راه انبیا الگو گرفته است. امام هنگام خروج ازمـدینه این آیه را تلاوت فرمودند: (فخرج منها خائفا یترقّب رب ّنجّنی من القوم الظالمین). که گواه است بر الگوگیری امـام حسـین (ع) از حضـرت موسـی (ع).امام (ع) قبل از خروج از مـدینه در وصـیتنامه ای به برادرش محمد حنفیه، انگیزه خروج و قیامش را عمل به سـیره جد و پدرش حضـرت علی (ع) معرفی می کند: «و اسـیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب» این بیان آشـکار است که حرکت حضـرت مبنایی جز پیروی از رهبر بزرگ اسلام و عمل به دستور شرعی، چیز دیگری نبوده است و چنین شـد که عاشورا به صورت یک الگو و یک سـمبل در طول تاریـخ به ثبت رسـید؛ چنانکه درتاریخ، قیامهـا و نهضـتهای آزادی بخش زیـادی وجود دارد که بـا الهام از حرکت عاشورا شـکل گرفته است. مهمترین و آشـکارترین نمونه آن، انقلاب اسلامی ایران و همچنین هشت سال دفاع مقدس علیه رژیم بعث عراق

بود؛ چنانکه امام راحل؛ در این باره فرمودند:«حضرت سید الشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان، وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان، وضع چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند،چه جور مبارزه کنند، و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند، چطور تبلیغ کنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد با یک عده معدود باید چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سید الشهدا به ملت ما آموخته است».ما نیز هنگام زیارت از خدا می خواهیم که حیات و ممات ما را چون زندگی و مرگ محمد و آل محمد قرار دهد: «اللهّم اجعل محیای محیا محمّد و آل محمّد و مماتی ممات محمّد و آل محمّد».مهاتما گاندی رهبر مبارزات استقلال طلبانه هند می گوید: «من زندگی امام حسین (ع) آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد،بایستی از سرمشق امام حسین (ع) پیروی کند».

ابزار پیام رسان

یک پیام اگر بخواهد به مردم برسد، احتیاج به ابزار دارد. استاد شهید مطهری در رابطه با شرایط ابزار پیام رسانی می گوید:«اولین شرط رساندن یک پیام الهی این است که از هر گونه وسیله ای نمی توان استفاده کرد؛ یعنی برای اینکه یک پیام الهی، رسانده شود و برای اینکه هدف مقدس است، نباید انسان این جور خیال کند که از هر وسیله که شد برای رسیدن به این هدف

باید استفاده کنیم؛ می خواهد این وسیله مشروع باشد و یا نامشروع. می گویند: «الغایات تبرر المبادی؛ یعنی نتیجه ها مقدمات را تجویز می کنند».از ابزارهای پیام رسانی، «بیان و قلم» به عنوان مهمترین ابزار در قرآن آورده شده است: (ن و القلم و ما یسطرون). (الرحمن – علّم القرآن – خلق الانسان – علّمه البیان).چنانکه مشاهده شد، خداوند در سوره «الرحمان»، آموزش بیان را برای انسان پس از آموزش قرآن و آفرینش انسان، از مظاهر رحمت خود در حق انسان ذکر می کند. همچنین، یک سوره از قران را به نام «قلم» نامید و به قلم و آنچه می نویسد، قسم یاد کرده است.علامه محمد جواد مغنیه، در این رابطه می گوید: «مراد از بیان، هر چیزی است که مقصود آدمی را برساند، از لفظ، خط، نقاشی، اشاره و هر وسیله دیگر و مراد از قلم، نیز قلم مخصوص نیست و در قلم، کنایه از ابزار نوشتن است چه آن ابزاری که تاکنون شناخته شده است و چه آن ابزار که در آینده دور یا نزدیک در دسترس بشر قرار خواهد گرفت».با پیشرفت تمدن بشری، وسایل تبلیغاتی نیز همپای تکنولوژیهای دیگر در حال پیشروی است. روزنامه، انواع نشریات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و...از وسایل مدرنی است که دنیای استکبار از آنها برای تبلیغات بر ضد اسلام استفاده می کند. بر ملت مسلمان لازم است که از وسایل پیشرفته که جوابگوی دنیای امروز باشد، استفاده نماید؛چنانکه قرآن می فرماید: (واعدّوا لهم ما استطعتم من قوّه).

بیان، مهمترین وسیله تبلیغی اسلام

شهید مطهری می گوید: «یکی از چیزهایی که قرآن مجید راجع به سبک و روش تبلیغ روی آن تکیه کرده است، کلمه «البلاغ المبین» است؛ یعنی ابلاغ و تبلیغ واضح،روشن

و آشکارا. مقصود از این واژه روشن و آشکارا چیست؟ مقصود مطلوب بودن،سادگی، بی پیرایگی پیام است، به طوری که طرف در کمال سهولت و سادگی آن را فهم ودرک نماید...البته احتمالات دیگری هم هست. یکی از این احتمالات در معنی کلمه«مبین»، بی پرده سخن گفتن است، یعنی پیامبران نه فقط مغلق و پیچیده سخن نمی گفتند، اگر احساس می کردند مطلبی را باید گفت، در نهایت صراحت و روشنی به مردم می گفتند: «اتعبدون ما تنحتون؛ آیا تراشیده های خودتان را دارید عبادت می کنید؟».استاد مطهری می گویند: «حال برای اینکه بدانید از همان وسایلی که در آن زمان بوده است چه استفاده هایی شده است و همان وسایل چه نقش فوق العاده موثری در رساندن پیام اسلام داشته اند...قرآن دارای دو خصوصیت است: یکی خصوصیت محتوای مطالب که از آن تعبیر به حقانیت می کند و دیگری زیبایی قرآن، نیمی از موفقیت خودش را از این راه دارد که از مقوله زیبایی و هنر است قرآن، فصاحتی دارد فوق حد بشر...اصلاً راجع به تأثیر آیات قرآن در خود قرآن، چقدر بحث شده است».«اللّه انزل احسن الحدیث»«موفقیت امیرالمؤمنین میان مردم، مرهون فصاحت اوست،... مردی است به نام همام، از امیرالمؤمنین (ع) درخواست می کند که سیمای پرهیزگاران را برای من توضیح بده، رسم کن. اول حضرت امتناع کردند، در سه جمله گفتند، گفت: کافی نیست، من می خواهم شما سیمای پرهیزگاران را کامل برای من بیان کنید. علی (ع) فی المجلس شروع کردند سیمای متقیان را بیان کردن...این مرد همینطور که می شنید، التهابش بیشتر می شد، یک مرتبه فریاد کشید و مُرد. اصلاً قالب تهی کرد. امیرالمؤمنین فرمود:«هکذا تصنع المواعظ البالغه باهلها»؛ سخن اگر رسا، و دل اگر قابل باشد، چنین

می کنـد».«خود اباعبـدالله (ع) در همان گرما گرم کارها از هر وسـیله ای که ممکن بود برای ابلاغ پیام خودش و برای رساندن پیـام اسـلام اسـتفاده می کردنـد. خطابه های اباعبـداللّه از مکه تا کربلا و از ابتـدای ورود به کربلا تا شـهادت، خطبه های فوق العاده پر موج و مهیج و احساسـی و فوق العاده زیبا و فصیح و بلیغ بوده است. تنها کسی که خطبه های او توانسته است با خطبه های امیرالمؤمنین (ع) رقابت کند، امام حسین (ع) است».

تاکتیکهای ویژه تبلیغی در نهضت عاشورا

آغاز جهاد با مهاجرت

چون یزیـد از ولیـد خواست که از امام (ع) بیعت بگیرد، امام حسـین (ع) پس از سه روز از شـنیدن این درخواست، مدینه را به مقصد مکه ترک نمودند. اگر امام در مدینه می ماند و با بیعت، مخالفت می کرد، همانجا شهید می شد و صدایش هم به عالم اسـلام نمی رسـید. بنـابراین، این مهاجرت به سوی مکه علاوه بر اینکه اعلام مخالفت با یزیـد بود،یک نوع تاکتیک تبلغی بود. برای اینکه صدایش به مردم برسد که امام حسـین (ع) بیعت نکرده است.از طرفی حرکت امام حسـین از مکه به سوی کوفه در روز هشتم ذیحجه (روزترویه)، روزی که همه می خواهند به منی و عرفات بروند و اعمال حج را انجام دهند، این حرکت امام، یک تاکتیک تبلیغی دیگری بود.

همراه بردن اهل بیت

بـه همراه بردن اهـل بیـت امـام، تاکتیـک تبلیغی دیگری داشـت. علاـوه بر اینکه مصـلحت الهی در نظر امـام بـود، نقش تبلیغی داشت. در حقیقت، اهل بیت امام (ع)مبلغانی بودند که بعد از واقعه عاشورا پیام شـهدای کربلا را تا قلب حکومت دشمن یعنی شام به همراه بردند. سـخنان آتشین زینب (س) در مجلس ابن زیاد آنچنان کوبنده و افشاگرانه بود که مردم را به گریه آورد و کاخهای خفاشان را در معرض سقوط قرار داد. مقام شامخ زینب (س) در تبلیغ او تجلی یافت، اما زینب چه گفت؟شیخ مفید و شیخ طوسی روایت کرده اند که شخصی گفت من در ماه محرم سال ۶۱ وارد کوفه گشتم و آن هنگامی بود که حضرت علی بن الحسـین (ع) را بـا زنـان اهـل بیت به کوفه وارد می کردنـد و لشـکر ابن زیـاد بر ایشـان احـاطه کرده و مردم کوفه از منازل خودجهت تماشا بیرون آمده

بودنـد...در آن وقت که زینب (س) آغـاز خطبه کرد، به خـدا قسم من زنی با حیا و باشـرم،فصـیح تر و ناطق تر از جناب زینب دختـر علی (ع) ندیـدم. گویـا از زبـان پـدر سـخن می گویـد و کلمـات امیرالمومنین (ع) از زبـان او فرو می ریزد، در میـان آن ازدحام و اجتماع که از هر سو صدایی بلند بود، به جانب مردم اشارتی کرد که خاموش باشـید. در زمان نفسها به سینه برگشت و صـدای جرسـها ساکت شد. آنگاه شـروع به خطبه کرد و بعد از سـپاس یزدان پاک و درود بر خواجه لولاک فرمود:«ای اهل کوفه! ای اهل خدیعه و خذلان! آیا بر ما می گریید و ناله سر می دهید؟! هرگز باز نایستد اشک چشم شما و ساکن نگردد ناله شما...سوگنـد به خـدا که شـما به گریسـتن سـزاوارید. پس بسـیار بگرییـد و کم بخندیـد؛ چه آنکه سـاحت خـود را به عیب و عارابدی آلایش دادید که لوث آن به هیچ آبی هرگز شسـته نگردد و چگونه توانید شـست و با چه تلافی خواهید کرد کشـتن جگر گوشه خاتم پیغمبران و سید جوانان اهل بهشت...وای بر شما! آیا می دانید که چه جگری از رسول خدا (ص) شکافتید و چه خونی از او ریختید و چه پردگیان عصـمت او را از پرده بیرون افکندید، امری فضیح و داهه عجیب بجا آوردید که نزدیک است آسـمانها از آن بشـکافد و زمین پاره شود و کوهها پاره گردد و این کار قبیح وناسـتوده شما زمین و آسمان را فرا گرفت. آیا تعجب کردید که از آثار این کارها از آسمان خون بارید؟ آنچه در آخرت بر شما ظاهر خواهد گردید از آثار آن عظیم تر و

رسواتر خواهد بود، پس بدین مهلت که یافتید خوشدل و مغرور نباشید، چه خداوند به مکافات عجله نکند...».راوی گفت: پس از آن، مخدره ساکت گردید و من نگریستم که مردم کوفه از استماع این کلمات در حیرت شده بودند و می گریستند و دستها به دندان می گزیدند...سید بن طاووس بعد از نقل آن خطبه فرموده که مردم صداها به صیحه و نوحه بلند کردند و زنان گیسوها پریشان نمودند و خاک بر سر می ریختند و چهره ها بخراشیدند و تپانچه ها بر صورت زدند و ندبه بویل و ثبور آغاز کردند و مردان، ریشهای خود را همی کندند و چندان بگریستند که هیچگاه دیده نشد که زنان و مردان چنین گریه کرده باشند.پس حضرت سید سجاد (ع) اشاره فرمود مردم را که خاموش شوید و شروع فرمود به خطبه خواندن. پس ستایش کرد خداوند یکتا را و درود فرستاد محمد مصطفی (ص) را.پس از آن فرمود:«ایها الناس! هر که مرا می شناسد، می شناسد و هر که نشناسد، بداند که منم علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب:. منم پسر آن کس که او را در کنار فرات ذبح کردند بی آنکه از او خونی طلب داشته باشند. منم پسر آن کس که هتک حرمت او نمودند و مالش را به غارت بردند و عیالش را اسیر کردند...ای مردم! سوگند می دهم شما را به خدا،آیا فراموش کردید شما که نامه ها به پدر من نوشتید (اما) چون مسئلت شما را اجابت کرد،از در خدیعت بیرون شدید. آیا یاد نمی آورید که با پدرم عهد و پیمان بستید و دست بیعت فرا دادید، آنگاه او را کشتید...چه زشت رأیی که برای خود پسندیدید. با کدام

چشم به سوی رسول خدا (ص) نظر خواهید کرد گاهی که بفرماید شماها را که کشتید عترت مرا وهتک کردید حرمت مرا و نیستید شما از امت من».نهضت حسینی که برای احیای دین در تمام مظاهر و جلوه های آن بود، امامان شیعه: یکایک رسالت احیای دین را بر عهده داشتند. هر یک از مظاهر اسلام را که در دوره ای از زمان از بین می رفت و یا تحریف می شد، در چهره واقعی آن احیامی کردند؛ چنانکه امام زمان (عج) نیز روزی خواهد آمد و شریعت جدش را زنده خواهدکرد؛ همان طور که در دعاها می خوانیم: «واحی به ما امته الظالمون من معالم دینک»،تلاش معصومین: و پیروان شان نسبت به برنامه های احیاگرایانه نسبت به اصل جریان عاشورا و ارزشهای آن، وظیفه ای است بر ما که اکنون ما تداوم دهندگان راه آنهاییم.از محورهای احیاگری نسبت به عاشورا، مراسم روضه، زیارت، دعا و گریه برای سیدالشهداء و عاشوراییان است. تأکید فراوان بر زیارت عاشورا و مراسمی از آن قبیل، هر یک سهم عمده داشته است تا حادثه عاشورا برای همیشه زنده بماند. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است:«ما من احد قال فی الحسین شعرا فبکی و أبکی به الاّ وجب اللّه له الجنّه و غفرله».«هیچ کس نیست که برای حسین بن علی (ع) شعری بگوید و بگرید و بگریاند،مگر آنکه خداوند، بهشت را بر او واجب سازد و او را بیامرزد».این همه ستایش برای گریه، نوحه، مراسم عزاداری، برای آثار احیاگرانه آن است.امام خمینی؛ می فرماید: «با این هیاهو، با این گریه، با این نوحه خوانی، با این شعر خوانی، ما می خواهیم این مکتب را حفظ کنیم، چنانچه تا حالا هم حفظ شده

است».

خلاصه مقاله

مفهوم تبلیغ: تبلیغ، واژه عربی است که معادل انگلیسی آن «پروپاگاندا» می باشد. اما باید توجه داشت که مفهوم این واژه در فرهنگ امروز غرب و در فرهنگ اسلامی کاملاً متفاوت است. تبلیغ در عرف امروز غرب عبارت است از راست و دروغ جورکردن برای رسیدن به هدفهای شیطانی، برای اغفال مردم. اما در فرهنگ اسلامی، این واژه از قداست خاصی برخوردار است و در مواردی به کار می رود که هدف رساندن یک پیام مقدس است.عناصر تبلیغ:تبلیغ دارای چهار عنصر است که عبارتند از:۱. پیام.۲. پیام رسان.۳. ابزارهای پیام رسانی.۴. شیوه های پیام رسانی.هر یک از این عناصر، باید دارای خصوصیاتی باشد تا پیام به نحو احسن به مردم منتقل شود و مردم را جذب کند.شرایط موفقیت یک پیام:۱. حق بودن.۲. منطقی بودن پیام.۳. انگیزانندگی پیام.۴. هماهنگی با نیازهای زندگی.بایسته های پیام رسان:۱. اعتقاد مبلغ ۲. بصیرت ۳. اخلاص ۴. صفای باطن ۵. دلسوز بودن نسبت به مردم ۶. شجاعت(ع). صبر،...ابزارهای پیام رسانی: یک پیام برای اینکه به مردم برسد، نیاز به وسیله و ابزار دارد. اما برای رساندن پیامهای دینی از هر وسیله و ابزاری نمی توان استفاده کرد. اگر پیام و هدف مقدس است، ابزار نیز باید متناسب با آن باشد. از مهمترین ابزار پیام رسانی که در قرآن به آن اشاره شده «قلم و بیان» است.فصاحت و زیبایی محتوای قرآن، یکی از مهمترین عوامل پیشرفت آن می باشد.یکی از عوامل موفقیت امیرالمؤمنین (ع) فصاحت و زیبایی سخنان آن حضرت می باشد.سخنان ابا عبداللّه الحسین از ابتدای حرکت از مدینه به سوی مکه، از مکه به سوی کوفه، علاوه بر آنکه بیانگر مظلومیت آن حضرت است، منشوری از مکتب اسلام را ارائه می دهد،

آنچنان بلیغ و فصیح است که تنها کسی است که توانسته سخنان او با سخنان امیرالمؤمنین (ع) برابری نماید.بعد از واقعه عاشورا نقش اهل بیت امام حسین (ع) به عنوان مبلغین نهضت کربلا- نمایان می شود. خطبه های امام سجاد (ع) و حضرت زینب (س)، آن چنان بلیغ و رسا بود که موجب رسوایی و افشای جنایات بنی امیه گردید.السلام علیک یا اباعبدالله و علی الارواح التی حلت بفنائک،علیک منی سلام الله ابدا ما بقیت و بقی الیل و النهار،السلام علی الحسین و علی علی بن الحسین و علی اولاد الحسین و علی اصحاب الحسین.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹